

## نگاهی به رویدادهای کشورهای سوسیالیستی

پنج سال است در کشورهای سوسیالیستی تحولاتی  
پا به عرصه ظهور نهاده است که هر سال رشد بیشتری  
می یابد. اگر تا ۱۵ سال پیش، صحت تنها از بحران در  
کشورهای سرمایه داری بود، و این مسأله بعنوان يك اصل  
لایتنفر پذیرفته شده بود که کشورهای سوسیالیستی  
دچار بحران نخواهند گردید، اما آنچه که امروز در این  
کشورها به چشم می خورد به آسانی می تواند بحران نامیده  
شود. منظور این نیست آنچه را که در کشورهای سوسیالیستی  
روی می دهد درست به معنای آن چیزی که بحران اقتصادی  
در سرمایه داری نامیده می شود قلمداد

۲

### آخوندها و ابزار حکومت آنان

ده سال پیش که خمینی به  
دنبال فرار شاه از مملکت سوار بر  
امواج خروشان انقلاب برای رهبری  
آن و به کف گرفتن قدرت در تهران  
فرود آمد، بودند افراد آگاهی  
که پی آمد قدرت یابی خمینی را  
سیاستر از سالهای گذشته  
شاهنشاهی پیش بینی می کردند.  
اما درستی و غرور بی روزی آن  
روزها زمینه ابزار این تفکر موجود  
نبود و اگر بود گوش شنوایی برای  
آن وجود نداشت. این  
پیش بینی کوششی در جهت دفاع  
از رژیم پیشین نبود بلکه یک  
نتیجه گیری منطقی بر اساس حکم  
تاریخ بود.

### تامین اجتماعی و

#### وضع بهداشت مردم ایران

برخورداری از تامین  
اجتماعی از نظر باز نشکته  
بیکاری، بگیری، از کار -  
افتادگی، بی سرپرستی،  
در راه ماندگی، حوادث و  
سوانح و نیاز به خدمات  
بهداشتی و درمانی و  
مراقبت های پزشکی بصورت  
بیمه و غیره حتی است  
همگانی.

دولت مکلف است طبق  
قوانین از محل درآمدهای  
عمومی و درآمدهای حاصل از  
مشارکت مردم، خدمات و

۱۳

## «کومه له» و گامی دیگر در جهت رد مبارزه مسلحانه

سال ۱۳۶۷ هنگامی که متعاقب  
برگزاری کنگره ششم کومه له  
قطعنامه های مصوب این کنگره و مصاحبه  
راد یویی ابراهیم علیزاده دبیر کل  
کومه له منتشر گردید، " کوردستان "  
در یکصد و سی و نهمین شماره خود  
- شماره ۶۷، زوشیه ۱۹۸۸ - مقاله ای  
تحت عنوان " کومه له و نفی مبارزه "  
مسلحانه در کردستان " چاپ و منتشر  
نمود. " کوردستان " پس از پرداختن  
به این نکته که قطعنامه های مصوب  
کنگره ششم کومه له نشان می دهند که  
کومه له تا کنون مبارزه مسلحانه را  
بعنوان شیوه اصلی مبارزه کنار  
گذاشته است و رهبران کومه له می کوشند  
در مصاحبه ها و سخنرانی های شان این تغییر

۵

در این شماره:

- ۱۲ ★ نگاهی به اخبار
- ۱۶ ★ فعالیت در خارج از کشور
- ★ گام چینی از عملیات پیشروگان
- ۱۷ حزب
- ★ اولین کنفرانس بین المللی در مورد
- مسأله کرد
- ۲۰ ★ ادامه جنایات رژیم
- در کردستان
- ۲۰

بقیه:

# نگاهی به رویدادهای کشورهای سوسیالیستی

نمائیم. زیرا به دلایل زیادی که در حوصله این بحث خارج است رخ دادن بحرانی از آن دست در بلوک سوسیالیستی اگر نه غیر ممکن، حداقل بعید بنظر می رسد. لیکن بحرات می توان گفت بحرانی که اکنون کشورهای سوسیالیستی با آن درگیر هستند بسیاری خطرناکتر از بحران اقتصادی در کشورهای سرمایه داریست و اگر راه چاره درست، اصولی و شجاعانه ای برای آن یافت نشود موجودیت و بقای سوسیالیسم را مورد تهدید قرار خواهد داد.

تا اواخر سالهای ۷۰ آنچنان پرده تاریخی برواقعیات کشورهای سوسیالیستی کشیده شده بود که دنیای خارج مشکل می توانست از رخدادهای درونی آن جوامع بشتری چیزی بفهمد و از سوی دیگر

سازمانهای چپ کمونیستی کشورهای غیرسوسیالیستی با تبلیغات وسیع و پر دامنه خود پانورامای (دورنمای) بهشت موعود جامعه سوسیالیستی را طوری در پیش چشمان نسل جوان ترسیم کرده بودند، آهنگتر به اندیشهها خطور می کرد که در کشورهای سوسیالیستی کمبود و نقایصی در زمینههای زندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و هنری وجود داشته باشد. بهین خاطر هنگامی که طوسی

سالهای ۶۸-۱۹۶۷ تلاش در راه ایجاد دگرگونی در سیستم اداره جامعه سوسیالیستی چکسلواکی توسط دوچک و همفکرانش به منصه ظهور رسید و نهایتا با پیاده شدن ارتش شوروی در آن کشور سرکوب گردید، اثریت قریب به اتفاق احزاب و سازمانهای سیاسی کشورهای جهان سوم به ویژه سازمانهای چپ مارکسیستی تلاش مزمزم را جنبشی ارتجاعی و ساختنه و پرداخته امپریالیزم قلمداد کرده و دخالت ارتش شوروی در امور چکسلواکی را وظیفه های انترناسیونالیستی نام نهادند.

در آغاز دهه ۱۹۸۰ نیز هنگامی که جنبش مستقل همبستگی کارگران در کشور سوسیالیستی لهستان، صدای اعتراض خود را نسبت به سیستم اداره شور بلند نمود، بازهم حرکت بیبشتر از ۹ میلیون تن از کارگران آن شور که بحشر کثیری از آنان اعضای حزب کمونیست بودند، دسیسه امپریالیسم و ارتجاع قلمداد شد و از سوی اکثر سازمانهای چپ مارکسیستی کشورهای غیر سوسیالیستی محکوم گردید.

اما نارضایتی عمومی توده های مردم که دست کم در بخشی از کشورهای سوسیالیستی وجود داشت، بسی وسیعتر و نیرومندتر از آن بود که بتوان برای همیشه

بر آن سرپوش نهاد. اندک اندک معلوم شد که "سوسیالیزم موجود" آن جامعه بدون تضاد و ایدئال نیست. سازمانهای مارکسیستی کشورهای جهان سوم تا بلوی آنها در برابر چشمان مبارزان راه آزادی ترسیم کرده اند. معلوم گردید که آنچه "دیکتاتوری پرولتاریا" نامیده می شد، تنها آنگونه که احزاب کمونیستی ادعا می کردند جای خود را به "دمکراسی خلق" نداده است بلکه همچون زنجیری بر دست پای توده های مردم سنگین می کرده و مانع سیر رش استعدادهای و پیشرفت اقتصاد اجتماعی شده است.

خوشبختانه کشور بزرگ شورا (اتحاد شوروی)، همچنانکه در استقرار سیستم سوسیالیست پیشاهنگ بود، در شکستن تاب بی کم و کاستی این سیستم اقتصادی - سیاسی نیز پیشقدم شد. رهبر شجاع و کسار فعلی حزب کمونیست و دولت شوروی میخائیل سرگیویچ گورباچف همینه در اولین و بزرگترین کنگه سوسیالیستی قدرت را بدست گرفت، بر ضرورت بازنگری دگم اصرار نمود و از کمبودهایی که کشورهای سوسیالیستی تحت عن دفاع از سوسیالیزم و از طریق اعمال "دیکتاتوری پرولتاریا" آن دچار شده اند، پ

برداشت. گورباچف با شهادت کم نظیر با مخالفان سرسخت اصلاح

شورها را به قصد آلمان غربی ترک کردند، طی چند روز - روزهایی اول اکتبر - حدود ۱۰ هزار تن از اتباع جمهوری دموکراتیک آلمان به آلمان غربی پناهنده شدند. مهاجرت آلمانیها آنقدر توسعه یافت که حکومت بناچار آزادی مسافرت به کشورهای سوسیالیستی را نه یگانه ایگان ستر اتباع آلمان شرقی به خارج بود لغو کرد. پرسش بجایی که در اینجا مطرح می‌شود اینست که چگونه است پس از گذشت چهل سال از تقسیم آلمان و استقرار سوسیالیسم در بخش شرقی آن، مردم از دست حاکمیت سرمایه‌داری در آلمان فدرال به بخش شرقی آلمان نمی‌گریزند، اما هزاران و ده‌ها هزار تن در سایه حکومت کارگری منتظر سبب فرصتی هستند تا از آنجا گریخته و خود را به جامعه‌ای ظلم و استبداد و استعمار و نابرابری برسانند؟

در کشور مجارستان روزه آبان‌ها کنگره حزب کارگران سوسیالیست با اکثریت بیست و هشتاد و پنج درصد آرا تصمیم گرفت این حزب را منحل نموده و حزب جدیدی به نام حزب سوسیالیست مجارستان به سبک احزاب سوسیالیست و سوسیال - دمکرات کشورهای اروپای غربی تأسیس نماید.

اینکه در مجارستان و لهستان نه ظاهراً قدرت از دست حکومت کمونیست‌ها بیرون آمده و حکومت‌های غیر کمونیست در آنها

به منظور احتراز از اطاله‌سلام از بحث درباره تغییراتی که طی سه چهار سال گذشته بسط شیوه‌ای تدریجی اما مداوم در کشورهای سوسیالیستی روی داده است، خودداری می‌نماییم و تنها به طور خلاصه به بحث درباره بخشی از رویدادهایی می‌پردازیم که از آغاز ماه سپتامبر ۱۹۸۹ در سه کشور سوسیالیستی لهستان، مجارستان و آلمان دموکراتیک به شیوه‌ای برجسته و چشمگیر و سریع خود نمایی کرده است، آنگاه به نتیجه‌گیری از موضوع می‌پردازیم.

در لهستان، جنبشی که تا چند سال پیش از این در سایه دیکتاتوری و خفقان دسیسه‌آمیزیسم جهانی قلمداد می‌شد، همینکه فرصت یافت آزاد به ابراز عقاید و نقطه نظرات خود پردازد، بسط مشابه بزرگترین نیروی اجتماعی در آن کشور خود نمایی کرد و با رای آزاد اشریت مطلق نمایندگان مردم قدرت را به دست گرفت. در نتیجه همچنانکه آگاهیم پس از گذشت چهار دهه از استقرار سوسیالیسم در لهستان حکومتی غیر کمونیستی در آن کشور بر سر کار آمد و جایگاه حاکمیت حزب کمونیست را اشغال نمود، یک حکومت ائتلافی که فقط چند وزیر کمونیست در آن حضور دارند.

در آلمان دموکراتیک همینکه حکومت موافقت کرد کسانی که در مجارستان و چکسلواکی بسط سفارتخانه‌های آلمان غربی

در جامعه شوروی به مقابلت برحاست و باصراحت اعلام نمود که نبود دموکراسی و آزادی سیاسی بزرگترین عامل همه گرفتاریها و معضلات اقتصادی و اجتماعی شوروی است و در نتیجه دو تیز معروف خود یعنی "گلاسنوت" یا علنیت و "پرسترویکا" یا بازسازی را مطرح نمود. بوجود آمدن فضای باز سیاسی (علنیت) بتدریج نشان داد که کشور بزرگ شوروی پس از گذشت ۷۰ سال از استقرار سوسیالیسم با چه مشکلات و کمبودهای اقتصادی، و اجتماعی عظیمی روبروست و چه نارضایتی عمیقی نسبت به سیستم اداره کشور در حلقوم توده‌های مردم خفه شده است.

اگرچه رهبری جدید شوروی بنا به حسدلت دیدگاه‌های دموکراتیک خود از اعمال تحکم بردیگر کشورهای سوسیالیستی خودداری نموده و در هر فرصتی اعلام داشته است که هر یک از کشورهای مزبور مستقلاً در امور مربوط به خود تصمیم می‌گیرند، اما طبیعی بود که تحولاتی این چنین چشمگیر در اتحاد شوروی بردیگر کشورهای سوسیالیستی نیز تاثیر بگذارد. بهمین دلیل تحولات بوجود آمده در شوروی، بتدریج در دیگر کشورهای سوسیالیستی نیز منعکس گردید. کما اینکه این تحولات بر روابط بین‌المللی نیز تاثیر نهاده است که بحث درباره آنها از حوصله این مقال خارج

برپاگردیده است، سیستم سوسیالیستی حای خود را به سیستم سرمایه داری داده است یا حیر! همچنین اینده حکومت های غیر کمونیستی تا چه حد شانس موفقیت و حل گرفتاری های این دو کشور را دارند به عوامل مختلفی بستگی دارد و مسئله ایست که باید در آینده به آن پاسخ داده شود. اما مسئله اساسی در اینجا اینست که آیا شدت نه پس از چهار سال حاکمیت سوسیالیستی نصب کمونیست های کشورهای مزبور گردیده، یا گرفتاری هایی که در اکثر کشورهای سوسیالیستی گریبانگیر توده های مردم شده و اکنون بتدریج از پرده برون می افتند، از جوهر ماهیت سیستم سوسیالیستی سرچشمه می گیرد، یا در واقع محصول انحراف از اصول سوسیالیستی و تحمیل یک دیکتاتوری فردی از نوع دیکتاتوری استالینی برهنگیز از کشورهای سوسیالیستی است.

به اعتقاد ما سوسیالیزم بعنوان یک نظام انسانی که بر اساس منافع و مصالح دمکرات ترین طبقات و اقشار جامعه پایه گذاری شده است، به هیچوجه حقانیت خود را از دست نداده و اگر به عوا و هوس فردی و حفظ منافع شخصی آلوده نگردد، قادر است همه مشکلات جامعه را حل کند و برتری خود بر سیستم سرمایه داری را به اثبات برساند. آنچه که کشورهای سوسیالیستی و کلاً

سوسیالیزم را به چنین بهرانی دچار نموده، تهی نمودن سوسیالیزم از ماهیت انسانی خود به عنوان سیستمی است که در آن دموکراسی در همه زمینه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تحقق می یابد.

اوضاع کشورهای سوسیالیستی و بویژه رخدادهای چند سال اخیر در شوروی و بسیاری دیگر از کشورهای بلوک شرق نشان داد اگر یک وقت توده های کارگران و دهقانان و زحمتکشان از نابرابری های اقتصادی و اجتماعی به ستوه آمده بودند و جهت رهایی از آن نابرابریها انقلاب سوسیالیستی را برپا داشتند همان توده ها اکنون از دست نابرابری های سیاسی و یا به عبارت روشنتر نبود دموکراسی و آزادی سیاسی به جان آمده اند. همین رویدادها نشان می دهد که اگر در یک مرحله مشخص تاریخی نبود برابری اقتصادی و اجتماعی، سیستم سرمایه داری را در هم میالوده، امروزه نبود آزادی سیاسی بقای نظام سوسیالیستی در کشورهای سوسیالیستی را در معرض تهدید قرار داده است.

با درک درست چنین واقعیتی است که رهبری جدید شوروی به منظور امحای دیکتاتوری و جایگزینی دموکراسی آستین همت را بالا زده و قصد دارد فرصت و امکانات مناسب برای متارکیت هر چه بیشتر توده های مردم در حیات سیاسی، اقتصادی و

اجتماعی و دلا اداره جامعه بوجود آورد و بدین ترتیب چهره گیراتر و انسانی تری از سیستم سوسیالیستی در معرض دید افکار عمومی جهان قرار دهد. به عبارت دیگر رهبری فعلی شوروی نیک می داند که انسان نه با داشتن آزادی بدون نان قادر به ادامه حیات است و نه به داشتن نان بدون قناعت بی مرزد و چنین زندگی ای را بعنوان یک زندگی در حور انسان قبول دارد. میخائیل گورباچف تاکنون چندین بار ضمن یافتاری بر برنامه اصلاحات خود اعلام داشته که آنچه وی می خواهد در جامعه شوروی استقرار یابد، بازگشت به سرمایه داری نیست، سوسیالیزم در جای خود و نیرومند تر از گذشته باقی خواهد ماند و آنچه او انجام می دهد عبارت است از زمینه سازی برای مشارکت و همکاری همه مردم کشور و بکارگیری همه توانایی ها و استعدادها در امر پیشبرد سوسیالیزم، یعنی در واقع راهیست برای نجات سوسیالیزم.

لب کلام اینکه اگر رهبران کشورهای سوسیالیستی به شهادت، برنامه های خود را مورد ارزیابی مجدد و بارنگری قرار ندهند و راما برای اصلاحات عمیق سیاسی و اجتماعی هموار ننمایند عملاً بقا و پیشرفت سوسیالیزم را در کشور خود در سطح جهانی به خطر خواهند افکند. اما اگر شهادت چنین



بقیه:

## «کومه‌له» و گامی دیگر در جهت رد مبارزه مسلحانه

تصمیم گرفته اند نخست با تئوری سیاسی و سپس از راه سوسیال دیموکراسی این فرصت را به خورد هواداران خود بدهند.

بدنحال انتشار این مقاله ( که به خوانندگان گرامسی توصیه می‌کنیم یکبار دیگر آنرا بدقت مطالعه کنید ) رهبران کومه‌له به یکباره کنترل عقل و منطق را از دست دادند و لاف و گزاف بی محتوا و فحاشی دیوانه‌وار به حزب دمکرات کردستان ایران را که این "طرافتکاری" کومه‌له را افشا نموده بود، به اوج خود رساندند. کومه‌له بنا به عادت خویش مدعی شد که نیروی اصلی

را در صدر همه هدفهای خود قرار داده بود، چگونه می‌تواند ابتدا بساکن و یکروزه متوقف ساختن مبارزه مسلحانه را به هواداران خود اطلاع دهد؟ نه رهبران کومه‌له چنین شجاعتی دارند که واقعیت را صاف و صریح با اعضا و هواداران خود در میان بگذارند، و نه اینان می‌توانند در شرایط کنونی چنین شوک کوبنده‌ای را تحمل نمایند. همین جهت رهبران کومه‌له

فهم شاکتیکی را از نظر سیاسی و تئوریک توجیه نمایند. در پاسخ به این پرسش که: حال که کومه‌له به این نتیجه رسیده که شیوه مبارزه مسلحانه دیگر محور اصلی مبارزات این سازمان را تشکیل نمیدهد، چرا آشکارا آن را اعلام نمی‌کند؟ نوشته بود:

"کومه‌له ای که از بدو گسترش فعالیت خود در کردستان مصمم نیروی خود را وقف شکل نظامی کرده و پیشبرد مبارزه مسلحانه

بقیه:

تکاهی به رویدادهای کشورهای سوسیالیستی

سازمانهای چپ مارکسیستی ایران پس از آنهمه تجارب و بعد از مطرح شدن "گلاسنوست" و "پرسترویکا" در شوروی و پس از آنکه کشورهای سوسیالیستی هر کدام پسران دهها سال اعمال "دیکتاتوری پرولتاریا" به غلط بودن آن خط مشی پی برده‌اند ( گواینه عده‌ای از آنها تاکنون رسماً به آن اعتراف کرده‌اند )، تازه بر تشبیه دیکتاتوری پرولتاریا پافشاری می‌کنند و هنوز استالین را به عنوان بهترین الگو برای خود برمی‌گزینند و تصاویر او را در قسمت بالای دفاتر خود آویزان می‌کنند. بی‌پرده نیست که گفته‌اند:

هر که ناموخت از گذشت روزگار هیچ ناموزد زهیچ آموزگار.

سال پیش از این و حتی چندسال قبل از به قدرت رسیدن میخائیل گورباچف در شوروی، با سهامت کمبودها و نقایص ( سوسیالیسم موجود ) را تشخیص داده، دیدتئوری فردی در کشورهای سوسیالیستی را که تحت عنوان دیدتئوری پرولتاریا اعمال می‌شد - مردود شمرده و "سوسیالیسم دمکراتیک" را به عنوان راه‌نجات سوسیالیسم و برپایی جبهه عده‌ای مبتنی بر عدالت و انسانیت به همگان نشان داده است ( به جزوه "بحثی کوتاه درباره سوسیالیسم" و نیز "تجزیه و تحلیل بحثی کوتاه" از نشریات کمیسیون تبلیغات حزب دمکرات کردستان ایران نگریسته شود ) . از سوی دیگر بحثر شیوری از

داری را داشته باشند و حداقل جای خود را بسازند رهبران جوانتری که توانایی انجام چنین وظیفه‌ای را در حدود سراغ دارند، واگذار نمایند، بدون شک سوسیالیسم قادر است بر همه موانع و مشکلات فعلی شورهای سوسیالیستی غلبه کند و اعتبار و احترام گذشته خود را در سطح جهانی بازیابد.

در حاتم، این مقال بجاست به دو پدیده جالب توجه و در عین حال مفید اشاره‌ای داشته باشیم: حزب دمکرات کردستان، ایران به رهبری معام دبیر، شه‌پسند "دکتر عبدالرحمن قاسملو" چند

و اساسی جنبش کوردستان است!!  
و آنچه که حزب دمکرات در مورد  
وی اظهار میدارد اینست: «مطالعه  
عدیت با کمونیسم!! سرچشمه  
گرفته است، و کثرت کومله  
بمثابه نماینده!! کارگران  
و حکمتکشان کوردستان همچنان  
در میدان مبارزه مسلحانه  
حضور دارند و ضربات سهمگینی!!  
بر پیکر رژیم حافظ سرمایه  
وارد می‌آورد».

رخ داده‌های یازده ماه گذشته  
و کنار کشیدن روز افروزون  
یولیوتیان از میدان مبارزه  
مسلحانه و پناهنده شدن  
سیستماتیک و برنامه ریزی  
شده رهبران کومله به کشورهای  
اروپایی و آنها به آستانه  
حکومت‌های ورژواری  
و استثمارگر نشان دادند که  
تحلیل و ارزیابی حزب ما از  
قطعنامه‌ها و سیاست‌های  
تصویب شده در کنگره ششم  
کومله تا چه اندازه درست  
و بجا بوده است. طی مدت  
این پانزده ماه گذشته از چند  
عملیات نظامی کوچک در ناحیه  
محدودی در جنوب کوردستان،  
آنها همانطور که در «کوردستان»  
تصریح شده بود جهت خالصی  
نبودن عریضه، در هیچ نقطه  
کوردستان نه از کومله و نه از  
«ضربات سهمگین» آن خبری  
نبوده است.

اما همانطور که «کوردستان»  
پیش‌بینی کرده بود کومله  
طی این مدت تنها به کاهش

عملیات نظامی و محدود ساختن  
میدان فعالیت مسلحانه اکتفا  
کرده و بنیوه علمی و غیر علمی  
کوشیده است. ستدریح این قرص  
تلخ را به خورد هواداران خود  
بدهد. تازه‌ترین نشانه این  
تلاش و کوشش گفتار روز سیام  
شهریورماه گذشته رادیو کومله  
تحت عنوان «سیاست ما جهت  
پیشبرد جنگ مسلحانه چیست؟»  
است که بگفته خویش در رابطه  
با «یکی از مباحث بنیوم پنجم  
کمیته مرکزی کومله» بر شسته  
تحریر درآمده است.

رادیوی کومله در ابتدای  
این گفتار اظهار می‌دارد:  
«از عنوان این بحث پیداست  
که قصد نداریم در اینجا  
از کیفیت پیشبرد جنگ‌های  
نیروی پیشمرگه کومله سخن  
برانیم، همچنین در صدد  
نیستیم به ارزیابی میزان این  
جنگها و ضرباتی که این نیرو  
بر دشمن وارد ساخته است  
بپردازیم (البته بدین علت  
که در سطح بسیار نازلی است)  
آنچه که در اینجا مورد بحث  
است سیاست ما جهت پیشبرد  
(یا بهتر بود گفته می‌شد عدم  
پیشبرد) این جنگ انقلابی  
است، حال در هر نقطه  
و گوشه‌ای از کوردستان و به هر  
میزانی که باشد»

رادیوی کومله سپس از  
سردادن مقداری شعار و تاکید  
بر «مبارزه اقتصادی و سیاسی»  
توده‌های میلیونی کارگران  
و توده‌های مردم شرافتمند

شهرها و نقاط برجست، (که  
البته مورد تأکید و تاکید، ما  
نیز هست) از بیم اینکه  
اعضا و طرفداران کومله  
بخوبی متوجه نشوند که منظور  
حیث و حیثیت فصد دارد بنا  
تاکید بر این شوه از مبارزه،  
برای ترک میدان مبارزه مسلحانه  
بهانه براسی کند به شیوه‌ای  
روشن تر سخن می‌گوید. به پس  
مانده طرفداران کومله مزده  
میدهد که از این سیاست  
مسلحانه کومله از آینده که  
تاکید بوده نیز کمتر خواهد  
شد و جزین پدیده‌ای نیاید  
آنها را دچار تعجب نماید.

بهرتر است به متن سخنان گفتار  
نویس کومله توجه کنیم:  
«ما در چهارچوب سیاست خود  
در این مرحله تلاش می‌کنیم  
تا آنجا که از دستان ساخته  
باشد به فعالیت مسلحانه  
ادامه بدهیم و در صورتی  
که گشایش و تعادل قوای بهتری  
کسب کنیم، این بخش از  
فعالیتمان را بیشتر گسترش  
خواهیم داد. البته روشن است  
در صورتیکه چنان تحولاتی  
در مرزها پدید آید که موجب  
محدودتر شدن آمد و رفت‌های  
مرزی گردد و در همان حال  
در اوضاع سیاسی کوردستان  
تغییر بیشتری بسود ما صورت  
نپذیرد، یعنی کارگران و توده  
های مردم بیش از پیش و بنا  
قدرتی فزونیتر پایه میدان  
نگذارند، کار و فعالیت نظامی

و مسلحانه نیروی شمشیرگری  
کومله نیز با محدودیت روی پرو  
خواهد شد ( فعلا نمی‌شود گفت  
که خاتمه خواهد یافت، این  
مسئله می‌ماند برای فرصتی  
دیگر و گفتاری دیگر ) . در  
این شرایط که محدودیت سرزری  
افزایش یابد و امکانات مبارزه  
داخلی قادر به جبران آن نباشد  
جنگ مسلحانه نمی‌تواند تحرك  
فعلی را ( هم ) داشته باشد  
و تنها می‌توانیم بر سطحی  
نازاکتر و میزانی ( از این  
هم ) کمتر فعالیت نظامی  
حساب کنیم .

این گفته‌های جناب  
گفتار نویسی در مورد خود داری  
کومله از مبارزه مسلحانه، یا  
آنطوری که خود می‌گوید  
" دچار محدودیت شدن " این  
مبارزه روشن تر از آن هستند  
که نیازی به توضیح باشند .  
اما نکاتی در آنها جلب توجه  
می‌کند که قابل اندکی امعان  
است . این جناب بی آنکه خود  
بخواهد اعتراف می‌کند که کومله  
برخلاف تمامی ارجیف و شعری  
و شعارهایش در زمینه اهمیت  
دادن به مبارزه کارگران  
و کشاورزان و زحمتکشان ، در  
میان مردم کردستان هیچ  
جایگاه و جای بسی برای  
خود احساس نمی‌کند و تنها  
فرصت برای باصطلاح " پیشبرد  
جنگ مسلحانه " را در آن می‌بیند  
که گهگاه از آنسوی مرز به  
خاک کردستان ایران نفوذ کند

و پس از انجام يك عملیات  
كوجك ايدائی كه بیشتر مصرف  
تبلغاتی دارد محمداً به خاک  
عراق بگریزد، حال چرا توده -  
های میلیونی کارگران و  
زحمتکشان کردستان نمی‌توانند  
تکیه گاهی برای نیروی مسلح  
کومله باشند؟ سوالی است که  
گفتار نویسی مزبور خود را ملزم  
به پاسخ دادن به آن نمی‌بیند.  
از همه حال تر اینکه  
کومله در حالیکه خود را تنها  
رهبر !! توده‌های مردم  
شرافتمند مداند، در فکر  
آن نیست که همچون يك نیروی  
پیشرو نقش پناهنگ را به  
عهده بگیرد و خود زمینه  
قیام توده‌های مردم را فراهم  
سازد تا در فرصتی مناسب پا  
به میدان بگذارند و به زور -  
مداری و دیکتاتوری و خود -  
کامگی خاتمه بخشند . بلکه  
منتظر آن است که با وجود  
در میان نبودن نیروی فعال  
نظامی " اوضاع سیاسی کردستان  
بمنفع آنان دستخوش تغییرات  
و تحولات بیشتری گردد " و آنگاه  
وی از آنسوی مرز، از اروپا  
و آمریکا عزیمت فرموده  
و مبارزه مسلحانه را گسترش  
دهد. خلاصه اینکه کومله به يك  
معجزه چشم دوخته است .

یکمدوسی و همین شمشاره  
" گوردستان " در بخشی دیگری از  
مقاله کومله و نفی  
مبارزه ... " نوشته بود :  
" کومله در فعالیت حزب  
کمونیست در کردستان سه دوره

تمایز می‌بیند: دوره قبیل  
از سرآمد وسیع توده ای یک  
دوره کنونی، دوره آغاز جنبش  
اعتراضی توده ای و بالاخره  
دوره اعتلای سیاسی و تعرض  
نهایی. در دوره اول یعنی دوره  
کنونی وظیفه کومله حفظ  
استحکام و قدرت نیروی  
مسلح کمونیستی و گسترش آن  
در حدود مقدرات این دور است  
... در دوره دوم ( که البته  
روشن نیست کی و پس از چه  
مدتی آغاز خواهد شد، ولی  
بزم کومله این مدت کوتاه  
نخواهد بود ) وظیفه کومله  
گسترش سریع نیروها برای  
پیشروی نظامی و آزاد سازی  
منطقه ای است و بالاخره در دوره  
سوم شهرها قیام خواهند نمود .  
لیکن از محتوای گفتار  
روز سیام شهریور ماه رادیو  
کومله علناً پیداست که کومله  
از این باصطلاح استراتژی نیز  
منصرف شده است و اکنون این  
روند را برخلاف گذشته تعبیر  
می‌کند. یعنی اگر سابقاً  
بظاهر چنین معتقد بود که  
در دومین دوره فعالیت حزب  
کمونیست در کردستان نیروی  
نظامی کومله باید در جهت  
آزاد سازی مناطق پیشروی  
نماید و در نتیجه به رشد  
مبارزه توده‌های مردم و برپایی  
يك قیام خلقی یاری رساند  
هرچند این مسئله هم تنها  
مصرف داخلی داشت - اکنون بر  
این باور است که نیروی مسلح

کومله باید در مراکز نظامی یا آنسوی مرز به استراحت مشغول باشد تا توده‌های مردم در داخل راه بازگشت را هموار نموده و برای کومله کارت دعوت بفرستند. توجه کنید که رادیو کومله چه می‌گوید؟

"در دورانی چون دوران حاضر نیروی پیشمرگ کومله با در نظر داشتن شرایط موجود در کنار اینکه هرچه از دستش برآید انجام می‌دهد (که البته اگر قادر به چنین کاری باشد بسیار اندک خواهد بود) ، در مراکز نظامی مستقر شده و به آماده سازی و آموزش بیشتر خود خواهد پرداخت تا در شرایط مناسب که مبارزه و جنبش سیاسی مردم گسترش بیشتری خواهد یافت ، یا تغییر و تحول سریعی ( شاید با امداد غیبی ) در اوضاع سیاسی رخ خواهد داد ، با آمادگی کامل به میدان آمده و دخالت نماید ( بخوان اخلاگری نماید ) و دوباره در راستای رشد و گسترش مبارزه توده‌های مردم کارگر و زحمتکش قدرت نمایی کند."

پس از تمامی این فلسفه بافیها گفتار نویس کومله برای اینکه اطمینان حاصل کند منظور خود را کاملاً رسانده است و طرفداران کومله دریافته اند که سازمان پیشرو مردم کارگر و زحمتکش " ! در

حال کنار کشیدن از عرصه فعالیت مسلحانه " است ، می‌کوشد این کنار کشیدن را يك تاکتیک انقلابی بنمایاند و آمادگی کاملی در میان طرفداران کومله جهت روبروشدن با چنین حالتی پدید آورد. هم از این‌گونه گفته‌های خود را بدین شیوه خاتمه می‌دهد:

" با این توضیحات اکنون دیگر باید برای کارگران سوسیالیست و پیشرو روشن شده باشد که ارتباط مبارزه آنها با مبارزه مسلحانه نیروی پیشمرگ کومله چگونه است و آنها به چه شیوه ای می‌توانند این نکته را مدنظر داشته باشند که از هم اکنون با گسترش مبارزه کارگری و توده ای در فکر آن باشند این عرصه از جنبش ، یعنی عرصه فعالیت مسلحانه را همچنان گرم نگه دارند ، و در صورت بروز هر محدودیتی برای نیروی پیشمرگ به چه شیوه‌هایی می‌توانند میدان تازه ای برای فعالیت کومله فراهم سازند ، یا کاهش فعالیت مسلحانه را احیران نمایند."

جا دارد به گفتار نویسنده کومله اطمینان بدهیم که به کمک سیمنا‌های توضیحی ای که طی دو سال گذشته پیرامون سیاست‌ها و قطعنامه‌های تصویب شده در کنگره ششم کومله برای اعضا و افراد مسلح برگزار گردیده ، منظورش بخوبی روشن شده است و از حق

نباید گذشت که گفته‌های وی نیز روشن تر از آن است که اکثر کمی خود را به نفهمی نزنند ، متوجه لب مطلب نگردد.

اما در همان حال به این جناب و کلیه کارگردانان کومله اطمینان خاطر می‌دهیم که توده‌های هشیار مردم کردستان نیز دیری است که به این تاکتیک کومله پی برده اند و دریافته اند آنکه خود را "نیروی اساسی جنبش کردستان" میدانست ، تصمیم گرفته است رفته رفته خود را از دردسر مبارزه مسلحانه رها سازد و در "مراکز نظامی سوئد ، آلمان ، انگلستان و ... به آماده سازی و آموزش بیشتر خود" پردازد !! و در يك کلام فرار را برقرار ترجیح دهد.

ما به سهم خود تنها از این اقدام کومله شگفت زده نخواهیم شد بلکه دیری است پیش بینی کرده ایم که این سازمان نیز نظیر بسیاری از دیگر دستجات و گروه‌های چپ رو میدان مبارزه عملی را ترک گفته و از دور شعار "تاسیس حکومت کارگری و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا" سردهد.

جا دارد در اینجا مردم کردستان و آزادیخواهان ایرانی را مطمئن سازیم که حزب دمکرات کردستان و نیروی پیشمرگ کردستان در هر شرایط و موقعیتی مبارزه پرشکوه خود را تداوم خواهند بخشید و ترک



بقیه از صفحه ۱

## آخوندها و ابزار حکومت آنان

رژیم پهلوی در ط... سلطنت ۵۰ ساله خود برای تامین منافع اربابان خویش آنچنان در منجلا ب اعمال شد مردمی غرق شده بود در جای پای در میان توده های مردم ایران برای خود نمی دید ، لذا شاه با مشاهده اوجگیری چشم مردم محروم و مشت های گره زده آنان در هر کوی و برزن کشور ، دچار وحشت و هراس گردید و چون فشار دستگاه سرکوب او هم نتوانست طغیان مردم را فرو نشاند و

بقیه از صفحه ۸

کژیله و گلی دیگر در جهت در مبارزه مسلحانه

سیدان گفتن کومله نیز - نظیر هزیمت کردن دیگران - خللی بر اراده آهنین مبارزان راه دمکراسی و خودمختاری وارد نخواهد ساخت ، هنگامی هم که در مبارزه یکپارچه و هماهنگ نیروی پیشمرگ دمکرات و زحمتکشان شهرها و روستاهای گوردستان گشایش و تعادل قوای مطاوبتری پدید آمد ، کومله باز هم می تواند به میدان آمده و دخالت کند و دوباره

اعتماد از دست رفته را به وی بازگرداند راه فرار را در پیش گرفت و تا زمانی که در حسرت روزهای سروری و زندگی پسر طمطراق خویش سر ذلت به زیر خاک نشید در هیچ مانی در این کره خاکی حتی در آغوش اربابان خود دعوی آسودگی نیافت .

شاه دیکتاتور با مرگ خود نظام پوسیده ۲۵۰۰ / ۶ ساله شاهنشاهی را هم که نقش تاریخی آن سپری شده بود همراه خویش به گور برد .

اما متأسفانه آنچه که بر ویرانه های نظام شاهنشاهی پا گرفت نه یک جمهوری مردمی ، بلکه حکومت اقشار عقب مانده های بود که ایدآلهای اجتماعی خویش را از قرون تاریکی به عاریت گرفته بودند . تسلط

آخوندها بر صحنه سیاسی ایران نه تنها وضع مملکت را بهبود بخشید ، بلکه آنرا از بد بدتر ساخت . آنها فقط تا آنجا با مردم همراهی کردند که از نیرو و توان آنان برای رسیدن به منصب قدرت استفاده کنند و هنگامی که بر این هدف دست یافتند توده های مردمی را که ساده لوحانه قربانی و آلت اجرای نیت اینان شده بودند تا سطح یک گله گوسفند تنزل دادند . البته برای افراد آگاه و متفکر این امر

میتوان ردیابی کرد . این تمایل متکی به قدرت روحانی و اقتصادی بود ، نه مردم عادی بر اساس اعتقادات دینی خویش بدانها بحثیده بودند . پایه نفوذ اقتصادی جماعت روحانیون را زمینهای وسیع موقوفه تشکیلات می داد که در طول قرون وسطی در اختیار نهاد های دینی گذاشته شده و از این طریق در دست قشر بالای آنها متمرکز شده بود .

حل مسائل مذهبی و رتبه و فتق امور خصوصی و حقوقی مردم از طریق حق انحصاری مقام قضا در دادگاه های شرع و بالاخره تسلط بر مراکز آموزشی نفوذ عظیمی را برای روحانیون به همراه آورده بود بطوریکه در عصر فتووالیته برای سهمین شدن در قدرت و برخورداری از امتیازات اجتماعی با اشراف فتووال شاخ به شاخ می شدند . شاخ به شاخ شدن آخوندها با حانه های فتووال نه به خاطر رهایی زحمتکشان روستا از وضع فلاکتباری بود که در آن می زیستند ، بلکه صرفاً به خاطر شرکت و رقابت در غارت حاصل دسترنج آنان بود ، لذا آخوندها در عمل ستون اصلی نگاهارنده قاخ ستمگران باقی ماندند و از طریق تحمیل و

در طول سالهای انقلاب مشروطیت تلاش روحانیت برای تصرف قدرت از پائینتاد، برخی از ملاها در راس حرکات اعتراضی مردم علیه دخالتهای خارجی و استبداد فئودالی قرار گرفتند و زمانی که در جریان جنبش با به میدان آمدن اقشار میانه حال مردم حواستهای دمکراتیک آنان فرونی گرفت و حرکت داشت در مسیری مردمی قدم برمی داشت ملاهای مرتجع همراه با بوروازی لیبرال در جهت تحدید مطالبات توده های مردم با فئودالهای حامی به ساحت و پااحت پرداختند. سازش طبقات مرتجع داخلی و دخالتهای امپریالیستهای روس و انگلیس که نظر مساعدی نسبت به گسترش و تعمیق انقلاب نداشتند همه باهم کمک کردند تا شرایط برای به انحراف کشانیدن انقلاب فراهم گردد. و بدین ترتیب انقلاب دمکراتیک و ضد استعماری مشروطیت ناتمام ماند و تحقق هدفهای آن در برنامه انقلابات آینده قرار گرفت.

اما روحانیت مهر خود را بر نازک انقلاب مشروطه کویید و در سند قانون اساسی آن که از بزرگترین دستاوردهای انقلاب نیمه تمام مشروطه بود اجازه یافت ۵ نفر از روحانیون مجتهد خود را بر مجلس شورای ملی بگمارد تا مراقبت کنند

مصوبات مجلس با شرع اسلام در تعارض نباشند و بدین صورت نفوذ و اعتبار آنها را جنبه رسمیت و قانونیت هم بخود گرفت.

جنبش ضد استبدادی مردم ایران در سال ۱۳۵۷ که وسعت بی نظیری یافته بود و روحانیون در آن نقش فعالی داشتند آنها را به حاکمیت رسانید. قدرت یابی روحانیان که حامل ذهنیت ارتجاعی فئودالی بودند در زمانی صورت گرفت که نظام فئودالیتسه در کلیت خود شرایط وجودی خویش را از دست داده بود، لذا امید زیادی به بقای رژیم خود نداشتند.

حال رژیم آخوندی آینده تاریکی را در پیش پای خود می بیند، زیرا نیروهای دمکراتیکی که در سالهای انقلاب مشروطیت آخوندها را به سازش با فئودالها و بوروازی لیبرال وامی داشت، اینک در عرصه اجتماعی و سیاسی ایران بسیار بیشتر خود نمایی می کنند و قدرت ارتجاعی آخوندها را ستیزه جویانه به مبارزه می طلبند. در هراس از رویا رویی با این نیروها و در چشم انداز نداشتن آتیسه قدرت خویش است که در طول ینده از حاکمیت آخوندها چنان نارنامه سیاهی از جنایت و وحشیگری آفریده اند که تاریخ ایران سابقه ای نظیر آن را به خاطر نمی آورد.

در واقع حرکات دیوانسه و ار حکومت آخوندی تلاشهای نازک پیر و رنجوری را ماند که به زحمت می نویسند تا به کمک چنگ و دندان خود را سیر و سرپانکه دارد.

اگر روحانیت در سابق توجیه گر و نگهدارنده بنای ستغری بود اکنون خود مستقیما پا به میدان گذاشته است و چون در برابر گسترش حواستهای مردم بیدار قادر نیست تنها با سلاح سنتی خود - توهم پرائنی، تحمیق و فریب آنان را به تمدین وادار نماید، سلاح سرکوب عریان در دست گرفته است.

حمینی تئورسین و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران پیش از همه بر این حقیقت واقف بود. او به منظور سرپانگداشتن نظام ارتجاعی خویش از همان آغاز بر کاربرد بیرحمانه زور تیه کرد و همپای آن نار متوهم باقی نگه داشتن بقایای اقشار عقب مانده مردم، بسیج و برانگیختن آنان علیه هدفهای مترقیانه انقلاب را به پیش برد. قبل از هر چیز او تصمیم گرفت تا مردم در صحنه را که قدرت وی مرهون جانبازیهای آن بود و اینک سرچشمه قدرت و خطر آینده برای اید الهالهای ارتجاعیش محسوب میگردید، نه در ظاهر بلکه در عمل از صحنه خارج سازد. به منظور دستیابی بر این هدف با جستجو

در کوردستان افکار سربرآورده در قرون تاریکی، ارتجاعی ترین آنها یعنی - ولایت فقیه را ابزار دست خویش کرد و حکومت دلخواه خود را بر پایه آن بنا نهاد.

در سیستم نظری آخوندها " ولی فقیه " چوپانی است که توده های مردم ربه چهارپایان او به حساب می آیند و هرکجا که دلخواه وی باشد میتواند ربه را به آنجا براند؛ به سخن دیگر توده های مردم موجودات نابالغ و بلا اراده ی محسوب می گردند که اختیار اندیشه و تصمیم گیری درباره مسائل زندگی سیاسی و اجتماعی از آنان سلب گردیده و در بهترین حالت مجریان بلا اراده، دستورات ولی فقیه بشمار می روند که برای آنان ایمن وظیفه الهی را به انجام می رساند، چراکه ولی فقیه مأمور اجرای قوانین الهی است تا حاکمیت خدا را بر روی زمین تحقق بخشد.

ارائه نظریه حاکمیت " الله " تودعان حاکمیت آخوند - از نظر آخوندها از آن جهت ضروری است تا حاکمیت مردم را که بنا بر روند قانونمند نگامند جامعه بشری برسیب باری از اذهان مردم مین ما غالب گشته و حتی حکومت های مستبد

و از این طریق زمینه حاکمیت آگاهانه مردم را در جهت د حالت بیشتر در زندگی سیاسی و اجتماعی و رقم زدن آزادانه سرنوشت خویش حثی نماید.

برابر نهادن " حاکمیت الله " در مقابل " حاکمیت مردم " نتیجه علی دیگری هم داشته و آن اینکه در جهت متحقق ساختن حاکمیت خدا پیروان خود را از هر گونه مسؤولیتی در برابر اعمال سیاه و نامرد می خویش مبرا سازد تا آنان با وجدانی آسوده قادر باشند به هر جنایتی دست یازند و از این بابت نه تنها شرم و گناهی در خود احساس نکنند، بلکه آنها جهادی در راه خدا و وظیفه های دینی تلقی کرده، توشه راه دنیای دیگر برای خود سازند.

خمینی خود تا زمانیکه در راس قدرت بود در پناه این تزارجاعی و بنام مصلحت اسلام از هیچ جنایتی سر باز نزد او حقوق دمکراتیک مردم رازیرپا گذاشت. دانشگاهها را بست، حلقه های ایران را کشتار کرد، به قتل جمعی زندانیان سیاسی پرداخت، حققان مذهبی را بر فضای جامعه ایران حاکم ساخت و بالاخره با اصرار بر ادامه یک جنگ بی معنی و طولانی کشور را به ویرانی کشانید. در نتیجه ایمن

فراگیر در همه جای این مملکت به خود نمایی پرداخت. اما اینها مهم نبود چرا که به نظر خود شر با این کارها مکانی مناسب در بهشت خدا برای خود ذخیره کرده بود.

وی هرگاه مقاصد خویش را از راه رور و دستورات مذهبی نمی توانست تامین کند به وسایل دیگری چون فریب و نیرنگ، ترور و روشهای مادیولستی توسل می جست و این رفتارهای غیراخلاقی را در برابر مخالفان خویش چون سنتی شوم برای وارثان خود به ارث نهاد.

در وصیت نامه بیست و چند صفحه ای که پسر از مرگ از خود بجای گذاشته محو و نابودی مخالفان نظام خود را یک تالیف شرعی برای پیروان خود تعیین کرده است.

رژیم اسلامی هرچه از زمان به قدرت رسیدن خود بیشتر فاصله می گیرد در برابر گسترش موج نارضایتیها بر اعمال زور و سرکوب بیشتر تنیه می کند. با اینهمه سرکوب عریان رژیم مانع از رشد و گسترش مبارزه علیه حاکمیت آن نگردیده است. اپوریسیون این رژیم با وجود گرایشهای مختلف در صورت وحدت عمل می تواند تهدید بسیار جدی برای آن بشمار آید.



# نگاهی به اخبار



ارزوم محکومیت رژیم ایران :

● در اواخر شهریور ماه سال جاری کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، قطعنامه‌ای در محکوم کردن رژیم ایران بحاضر مقرر حقوق بشر در ایران صادر کرد . قطعنامه مزبور با اشاره به قطعنامه‌های مختلف چند سال گذشته که در آنها خود داری ایران از رعایت حقوق بشر محکوم شده است، ضمن برشمردن موارد شکنجه غیرانسانی متداول در زندانهای ایران، لغو مجازات مرگ و متوقف ساختن اعدام زندانیان سیاسی ایران را خواستار شده است . کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در این قطعنامه با اشاره به اعدام بیش از هزار نفر توسط رژیم ایران طی یک سال گذشته از رژیم ایران درخواست کرده است که با اعزام نماینده ویژه سازمان ملل جهت بررسی وضع حقوق بشر در این کشور موافقت کند .

● در این رابطه سازمان عفو بین الملل نیز اعلام کرد در میان کسانی که رژیم ایران آنان را به اتهام خرید و فروش مواد مخدر به پای جوخه‌ی اعدام روانه می‌کند، شمار زیادی از مخالفان سیاسی رژیم دیده می‌شوند .

سازمان عفو بین الملل ضمن برشمردن اسامی شماری از مخالفان سیاسی اعدام شده به بهانه ' قاچاق مواد مخدر، دولت‌های جهان را به تلاش برای لغو مجازات اعدام در ایران فرا خوانده است .

● متعاقب اقدامهای انساندوستانه کمیسیون حقوق بشر و سازمان عفو بین الملل، اتحادیه بین المللی مبارزان و تبعیدیان که مرکز آن در پاریس است با انتشار طوماری رژیم کنونی ایران را بحاضر پایمال کردن حقوق انسانی محکوم کرد و کشورهای جهان را به تحریم حکومت اسلامی ایران، خودداری از خرید نفت و متوقف ساختن مبادله کالا با آن دولت دعوت نمود .

یک رسوایی جدید رژیم آخوندی :

حکومت عربستان سعودی در اوایل ماه مهر ۱۶ تن تبعه کویته را به جرم بمب گذاری در حیمن انجام مناسک حج سال جاری در مکه، گردن زد . یکی از ۱۶ نفر مزبور طی اعترافاتی که از تلویزیون سعودی پخش شد اقرار نمود که کمپاورهنمودهای لازم را از سفارت ایران در کویته دریافت کرده‌اند .

هندنامیده در مراسم حج سال جاری چند فقره انفجار به وقوع پیوست و منجر به شش کشته شدن یک زائر و زخمی شدن شماری دیگر شد ، آخوندهای حاکم برای ایران سران عربستان را بسبب دست داشتن در چنین حوادثی متهم ساختند . آخوندها مدعی بودند که " حاکم حجاز " می‌خواستند با ارتطاب چنین اعمالی جمهوری اسلامی را در معرض اتهام قرار دهند و حیثیت نظام اسلامی را خدشه‌دار سازند . ولی این بار با برآه انداختن موج جدیدی از تبلیغات خصمانه علیه عربستان سعودی و تهدید کشور نامبرده به " انتقام خون ۱۶ زائر بی‌گناه کویته " از طریق گروه‌های تروریستی وابسته به ایران در لبنان عملاً به دست داشتن خویش در این ماجرا اعتراف نموده و از توطئه‌های تروریستی خود پرده برداشتند . قطعنامه ویژه انجمن جهانی قلم :

پنجاه و چهارمین اجلاسیه جهانی نویسندگان که با شرکت مدد‌ها نویسنده، شاعر، نمایشنامه نویس، مترجم و روزنامه‌نگار سرشناس کشورهای مختلف جهان در شهر سوئترال کانادا برگزار گردید روز یازدهم ماه مهر به کار خود پایان داد . در این اجلاس به نگره بین المللی قلم خواننده می‌شود موضوعات مختلفی پیرامون





هشدار داد اثر پیشبینی خود از گروههای خودمختاری طلب کرد ترکیه را ادامه دهد، آب رودخانه فرات را که از کوهستانهای کوردستان ترکیه سرچشمه می‌گیرد و از سوریه می‌گذرد به روی آن کشور خواهد بست. دو سال قبلاً در کشور مزبور با امضای قرار دادی متعهد شده بودند که سوریه به حمایت از کردهای مخالف ترکیه خانه دهد و ترکیه متقابلاً آب رودخانه فرات را به روی سوریه باز بگذارد.

قابل تذکر است که پیش از سیزده میلیون کرد در کوردستان ترکیه (عمده ترین بخش کوردستان) زندگی می‌کنند، ولی دولت ترکیه رسماً موجودیت آنها را انکار می‌کند. از این لحاظ هم اکنون از سوی افکار عمومی جهانی و بویژه کشورهای بازار مشترک اروپا، که ترکیه خواستار عضویت در آن است تحت فشار قرار گرفته است.

لندن اقدام به خودسوزی کردند. یکی از آنها بععلت شدت جراحات وارده بعد از چند روز درگذشت. لازم به یادآوری است شمار کثیری از آوارگان کوردستان در کشورهای خود بخاطر اعتقادات سیاسی تحت تعقیب و پیگرد پلیس بودند از طرق مختلف وارد انگلستان شده‌اند اما اغلب آنان به جای دریافت حقوق پناهندگی در بازداشتگاههای انگلستان بصر می‌برند و در معرض خطر استرداد به دولت‌های متبوع خود قرار گرفته‌اند. جاسف تاسف است که کشورهای مدعی دموکراسی و دفاع از حقوق بشر به جای کاستن از آلام ورنجهای پناهندگان کرد آنان را تا سرحد اقدام به خودکشی تحت فشار قرار می‌دهند.

تشنج در روابط ترکیه و سوریه:

نخست وزیر ترکیه به سوریه

مضامین آزادی و قدرت، سانسور و خودسانسوری نویسندگان اقلیتها، محدود شدن آزادی در نظامهای مذهبی، جهان - بینی در ادبیات زنان و ... مورد بحث قرار گرفت.

انجمن جهانی قلم که در کنار اشتغالهای ادبی به جریانات سیاسی هم توجه دارد و پاسداری از حقوق بشر و علی الخصوص حق آزادی قلم و بیان را از جمله وظایف مهم خود می‌داند، در رابطه با تاسف اندیشمند سرشناس کرد دکتسر قاسملو قطعنامه‌ای صادر کرد که در آن مراتب تأثر و تأسف نویسندگان جهان از فقدان دکتسر قاسملو ابراز گردیده بود. نمایندگان شرکت کننده در کنگره بین المللی قلم طی نامه‌ای خطاب به صدراعظم، وزیر امور خارجه و وزیر دادگستری اتریش، محاکمه عاملان قتل دکتسر قاسملو را خواستار شدند.

خودسوزی دوپناهنده کرد در لندن:

دو تن از کردهائی که دولت انگلستان به بهانه ورود غیرقانونی بدان کشور، آنها را بازداشت کرده است، بعد از دریافت خبر رد پناهندگیشان از سوی آن کشور و اطلاع از این مساله که دولت انگلستان در صدد است آنان را به کشورشان ترکیه بازگرداند، روز سیزدهم مهرماه در بازداشتگاه خود در غرب

بقیه از صفحه ۱۱

### آخوندها و ابزار حکومت آنان

مادیا ولیسم چندش آورنده‌های دیگری از ضعف درونی آن را آشکار می‌سازد. اقتصاد اجتماعی ای که قدرت رژیم بر نیروی آنها متنی است پایگاه اجتماعی ثابت و استواری برای آن را تشدید نمیدهند، آنها دیر یازود در نتیجه فشارهای وارده بر زندگی حویث از رژیم روی گردان خواهند شد و

زیرپای آن را برای سقوط خالی خواهند کرد، هرچند که جانشینان خمینی بمنظور جلوگیری از این سرنوشت محتوم تلاش نمایند نظام ارتجاعی خود را با ساختار سرمایه‌داری انطباق دهند.

## تأمین اجتماعی و وضع بهداشت مردم ایران

جمعیت	دکتر	دندان -روشک	ماما	پرستار	تخت بیمارستان
۱۰۰۰	۱				
۱۰۰۰۰		۱			
۵۰۰			۱		
۳۵۰				۱	
۲۵۰					۱

حمایتهای مالی فوراً برای يك يك افراد کشورتأمین کند. این متن اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. ظاهر آحق مطلب را ادا کرده و سنگ تمام گذاشته است. اما برای اینکه حقیقت را دریابیم و ببینیم که آیا این اصل هم به مانند اسلهای دیگر از این نوع بر روی کاعد باقی مانده و با حداقل بطور نیم بند پیاده شده است نظری به مطروعات رژیم می‌اندازیم.

کیهان روزنامه دولتی ایران در شماره‌های ۱۳۶۷۷ و ۱۳۶۸۰ - مرداد ماه ۱۳۶۸ - در باره وضع نابسامان بهداشت کشور مطالب گویایی درج کرده است. قلمزنان رژیم صفحه گزارش روز این دو شماره را به سنجش مشکلات بهداشتی و تأمین اجتماعی ساکنین کشور با توجه به ضریب ۳/۹٪ رشد سالانه جمعیت ۵۰ میلیونی ایران اختصاص داده اند. در یکی از این شماره‌ها نویسنده معیارهای اعلام شده سازمان جهانی بهداشت در باره مسائل درمانی را شکل مقابل آورده است:

سین نویسنده از روی سالنامه آماری ایران وضع بهداشت هفت استان کشور را به ترتیب زیر نشان داده است:

استان	شماربیمارستانها یا مراکز درمانی	شمارتخت بیمارستانها	جمعیت
تهران	۱۵۰	۲۴۹۰۵	۸۷۱۹۴۸۰
کردستان	۸	۸۷۳	۱۰۹۱۰۶۴
لرستان	۸	۷۱۴	۱۳۶۹۸۹۷
ایلام	۲	۲۴۱	۳۸۴۴۱۷
چهارمحال بختیاری	۳	۴۴۹	۶۳۷۱۶۷
پوشهر	۳	۴۵۰	۵۷۸۵۶۶
سیستان و بلوچستان	۱۲	۱۱۰۴	۱۲۰۵۹۸۰

برای اینکه مساله را دقیقتر مورد بررسی قرار دهیم لازم می‌آید از ارقام آماری دیگری که در "کیهان هوایی" آذرماه ۱۳۶۸ از زمین مسؤلین رژیم نقل شده و "کردستان" شماره ۱۴۶ طی گفتاری به آن برخورد کرده است کما، بگیریم. "کیهان هوایی" آمار کل پزشکان ایران را ۱۵۹۴۵ نفر ذکر نموده است که ۲۵۰۰ نفر آنان دندانپزشک هستند. بی از نصف این رقم یعنی ۲۹ نفر از این پزشکان در شهر و بقیه در شهرستانها دیگر مشغول کارند. هر چند صحت ارقامی که کیهان به بنام استاندار

های سازمان جهانی بهداشت ارائه داده خود جای تردید است (مثلاً ۱ نفر دندانپزشک برای ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت ذکر شده در حالی که طبق استاندارد سازمان جهانی بهداشت یک دندانپزشک برای ۳۰۰۰ نفر جمعیت معین شده است) و اگرچه به درستی آمارهایی نیز که درباره ۷ استان کشور آمده است نمیتوان اطمینان داشت، زیرا معتقدیم که رژیم پنهان نگاه داشتن رسواییهای خود جمعیت این استانها را کمتر از میزان واقعی نشان داده است. با اینحال بر اساس واقعیهایی که در همین آمارهای نادرست موجود است می‌کوشیم نظری به وضع پریشانی بهداشتی و درمانی کشور بیاندازیم.

در این ارقام و آمار تنها تعداد مراکز درمانی و تختهای بیمارستان بیان شده و گفتار نویس نخواستگاری یا اعازه نداشته آمار دقیق پزشکان، دندانپزشکان، ماماها و پرستاران این مناطق را ذکر نماید. دلیل این خودداری روشن است. در بسیاری از استانهای ایران نسبت پزشکان، ماماها و پرستاران به جمعیت بقدری نازل است که اعتراف بدان رسواییهای بازهم بیشتری را برای رژیم آخوندها بسیار

می‌آورد. مثلاً در استانهای کردستان و سیستان و بلوچستان به ترتیب ۸۷۳ و ۱۱۰۴ تخت بیمارستان موجود است در حالیکه بر اساس استاندارد سازمان جهانی بهداشت و نیز بر پایه آمار جمعیتی که رژیم برای دو استان منتشر کرده در کردستان به ۴۳۶۴ تخت و در سیستان و بلوچستان به ۴۸۲۳ تخت نیاز است. بعلاوه هنگامیکه رژیم خود اعتراف دارد که از مجموع پزشکان کشور یعنی از ۱۵۹۴۵ پزشک ۹۱۲۹ نفر آنان در تهران کار میکنند بدیهی است در سایر شهرستانها نسبت پزشکان به جمعیت آنچنان نازل خواهد بود که سکوت درباره آن بیشتر به صلاح سردمداران رژیم خواهد بود همچنین هنگامیکه مجموع دندانپزشکان کشور ۲۵۰۰ نفر است درمورد دندانپزشکان به رای

هر استان در حد بسیار پایینی خواهد بود بدین ترتیب خواننده میتواند دریابد که چرا در آمارهای ارائه شده در کیهان خبری از آمار ماماها و پرستاران کشور نیست. شگفت انگیزتر از اینها تفاوت میان تهران و سایر استانهای کشور است. نسبت خدمات درمانی این استان در مقایسه با وضع ناسامان استانهای دیگر بسیار زیاد است در حالیکه حتی این

نسبت در سنجش با استانداردهای جهانی در حد بسیار پایینی قرار دارد. این تفاوت بخاطر آنست که رژیم به سایر بخشهای کشور بهایی نداده است. و به این دلیل بیشتر امکانات بهداشتی و درمانی در تهران متمرکز یافته است. در حالیکه در دیگر استانهای کشور برای هر هزار و چند صد نفر یک تخت بیمارستان و برای هر صد تا دویست هزار نفر یک مرکز درمانی موجود است این نسبت در تهران به هر ۵۸۱۲۹ نفر یک مرکز درمانی و به هر ۳۵۰ نفر یک تخت بیمارستان میرسد.

بعلاوه با وجود تمام این کمبودها در سیستم بهداشتی و درمانی کشور نباید تصور نمود که مردم به این اندک امکانات هم میتوانند باسانی دسترسی داشته باشند. برای روشن شدن این واقعیت باز هم از کیهان شماره ۱۳۶۸۰ کمک می‌گیریم. این روزنامه در بحثی تحت عنوان "افزایش جمعیت و تامین اجتماعی" مقدمتاً به این حقیقت اعتراف میکند که سیستم تامین اجتماعی در ایران بگونه ای است که تنها شاغلان حرفه‌های مختلف آنهم کارکنان بخشهای صنعتی و خدماتی و دولتی و خصوصی را شامل میشود. و باین ترتیب بقیه در صفحه ۱۹

# فعالیت در خارج از کشور

## یونان

در روزهای ۲۰ تا ۲۴ سپتامبر سال ۱۹۸۹ فستیوال سالانه حزب کمونیست داخلی یونان در آتن پایتخت این کشور برگزار شد. حزب دمکرات کردستان ایران به دعوت حزب کمونیست داخلی یونان در این فستیوال شرکت کرد. ستاند حزب مادر این فستیوال که به وسیله رفقای حزبی در یونان ترتیب داده شده بود به شعارهای اساسی حزب و نشریات حزبی و عکسهای شهدا تزئین یافته بود. طی این چند روز شمار زیادی از شرکت کنندگان در این فستیوال از ستاند حزب ما دیدن کردند و راجع به وضعیت کردستان و مرحله کنونی مبارزه با رفقای مسئول ستاندیه گفتگو و پرداختند که در این رابطه از سوی مسئولان حزبی جواب لازم و روشنگرانه داده شد.

## سوئد

روز یکشنبه ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۹ بنا به دعوت فدراسیون جمعیت‌های

کردستانی در سوئد و کمیته حزب دمکرات کردستان ایران در این کشور، پیش از ۲۰۰ نفر از کردهای مدیم شهرهای مختلف سوئد در محلی در ۱۲ کیلومتری استکهلم گرد هم آمدند. محل گردهمایی به شعارهای حزب و تصاویری از شهید پیشوا و شهید قاسلو و چندتن دیگر از شهدای حزب مزین شده بود. در این گردهمایی رفیق حسن شرفی عضو دفتر سیاسی بمدت یک ساعت راجع به اوضاع ایران و جنبش خلق کرد در کردستان ایران و همچنین نقش چشمگیر رهبر شهید دکتر قاسلو در جنبش سراسری ایران و کردستان و خدمات وی به این جنبش و به حزب دمکرات کردستان ایران برای حاضرین، سخن گفت.

پس از خاتمه سخنان رفیق شرفی حاضرین در این گردهمایی بمدت ۲ ساعت سوالاتی را راجع به مسایل گوناگون سیاسی مطرح کردند که از سوی رفیق حسن شرفی به آنها پاسخی لازم داده شد.

متن سخنرانی و جواب سوالات با استقبال گرم شرکت کنندگان روبرو شد. این گردهم آیی که از ساعت

۱ بعد از ظهر شروع شده بود در ساعت ۴ و ۲۰ دقیقه خاتمه یافت. قابل ذکر است که رفیق حسن شرفی طی دیدار چند روزه خود از سوئد با رادیو و تعدادی از روزنامه‌ها مصاحبه بعمل آورد و با چند هیئت رسمی سوئد و سازمانهای حقوق بشر در این کشور دیدار نمود.

## اتریش

ساعت ۷ بعد از ظهر روز سه‌شنبه ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۹ کمیته حزب دمکرات کردستان ایران در اتریش با همکاری عده ای از دوستان اتریشی مراسم یادبودی را برای شهیدان ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۹ حزب در وین پایتخت اتریش برگزار کردند. در این مراسم یکی از رفقای حزبی از شخصیت جهانی کاک دکتر قاسلو و خدمات ارزنده وی به جنبش خلق کرد و هدف رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی از ارتکاب این جنایت سخن گفت.

بدنیال آن، چندتن از شرکت کنندگان در این مراسم هرکدام به شیوه ای راجع به مسایل جنبش خلق کرد سخنرانی کردند.

این مراسم که با شرکت ۷۰ نفر از کردهای مقیم وین تشکیل شده بود، ساعت ۹ بعد از ظهر پایان یافت.



# گلچینی از عملیات پیشمرگان حزب



اشنویه  
نیروی کيله شين

۱۳۶۸ / ۶ / ۲۶

طی يك عملیات کنترل جساده در بین روستاهای "نلیوان" - "تالیایوی" - "خانلر" - "تالیایوی" ، "تالیایوی" - "گورگایوی" از توابع اشنویه ، پیشمرگان ضمن اینکه ماشینهای مسافری را متوقف کرده و با مسافران به گفتگو پرداختند ، دو خودرو حکومتی را به آتش کشیده و ۹ نفر از افراد رژیم را نیز به اسارت درآوردند که اسامی آنها بدین قرار است :

- ۱ . مختار رضایی قشلاق
- ۲ . محمد علی حاجی کریم
- ۳ . حاجی علیار
- ۴ . قادر سرایی
- ۵ . حمید رضا اصفری
- ۶ . ضرغام نظیری
- ۷ . تقی شقاق
- ۸ . محمد رضا عبد القاسمی
- ۹ . محمد صالح اسماعیلی

نیروهای  
بیان و آری به ندان

هدف قرار گرفت . طی این موشک - اندازی ها ، تلفات و خسارات سنگینی به قوای دشمن و تأسیسات پارگان وارد آمد . همزمان پایگاه دشمن در روستای "خهیر" واقع در اطراف شهر نیز مورد حمله واقع شد و متحمل تلفات و خساراتی گردید .

منطقه "سپه سنگ"  
نیروی قندیل

۱۳۶۸ / ۷ / ۲

پیشمرگان به داخل شهر نفوذ کرده و قسمتهائی از شهر را تحت کنترل خود درآوردند . طی مدت کوتاهی شمار کثیری از اهالی محلی از حضور پیشمرگان به خیابانها ریختند و همراه آنان به تظاهرات و سردادن شعارهای انقلابی پرداختند . سپس در یکی از مساجد شهر جمع شده و به سخنرانی یکی از کادرهای حزبی گوش کردند . پس از این اقدام پیشمرگان به پارگان بزرگ شهر حمله برده و ضمن

ساختند .

۱۳۶۸ / ۷ / ۱۴

در ساعت ۶ و ۳ دقیقه بعد از ظهر در حالی که هنوز بخشی از مردم در خیابانها بودند ، پیشمرگان به داخل شهر پیرانشهر نفوذ کرده و محله های زیر را تحت کنترل خود درآوردند : میدان جمهوری اسلامی ، خیابان خمینی ، اطراف مرکز کمیته انقلاب و اطراف تپه کاک مامند ، پیشمرگان پس از استقرار در مواضع خود منتظر حرکات افراد دشمن ماندند . در جریان این کمین ۳ خودرو دشمن به دام افتادند و بر اثر آتش پیشمرگان منهدم شدند . بیش از ۵ تن از مزدوران کشته و شماری دیگر مجروح شدند . آنگاه پیشمرگان اقدام به پخش تراکت و اعلامیه های حزبی کردند و با شمار کثیری از اهالی شهر که به استقبال پیشمرگان آمده بودند به بحث و گفتگو پرداختند .

منطقه شمال  
**نیروی "ناکری"**

۳ تا ۵ / ۷ / ۱۳۶۸

پیشمرگان طی يك زنجیره عطیات موفقیت آمیز که در نزدیکی روستای "میشک" جاده "تهران - ارومیه" کارخانه "قد ارومیه" و ارتفاعات "گرد منجیل" در شمال کردستان به انجام رساندند. روبروهمرفته بیش از ۳۰ تن از افراد رژیم را کشته و زخمی کردند و ۷ تن را نیزه اسارت درآوردند. ۴ تن از کشته شدگان به اسامی زیر شناسایی شدند:

۱. حجت الاسلام محمد حسینی سرپرست دایره سیاسی - عقیدتی لشکر ۶ ارومیه و مسؤول هماهنگی نیروهای رژیم در آذربایجان غربی.
  ۲. فیروز ندیمی جان
  ۳. اصغر قاسمی
  ۴. بهرام پیروزن اسرا
  ۱. مرتضی بابازاده
  ۲. بهروز پروانه‌ای
  ۳. غلامعلی اصغر دوست
  ۴. پرویز پروانه‌ای
  ۵. اکبر حسین زاده
  ۶. عزیز نوری پاشا
  ۷. محمد یزدانی
  ۸. حسن عزیززی
- غنائیم پیشمرگان
۱. تیرباری کی. سی ۱ قبضه
  ۲. تفنگ کلاشنیکوف ۲ قبضه
  ۳. اسلحه کمری ۱ قبضه
  ۴. سی سیم ۱ دستگاه
  ۵. خشاب ۱۰ عدد

ماشین آلات و وسایل زیر نیز به آتش کشیده شد:

۱. انواع خود رو ۹ دستگاه
۲. لودر ۲ دستگاه
۳. تراکتور ۱ دستگاه
۴. موتور برق ۲ دستگاه
۵. موتور جوشکاری ۲ دستگاه
۶. يك انبار پر از آذوقه در جریان این عطیات پیروزنده انسه یکی از پیشمرگان بنام "حاجی خره کوشی" اهل روستای "زوه جوک" شیبران به شهادت رسید.

دالامو  
**نیروی دالاهو**

۱۳۶۸ / ۷ / ۶

پیشمرگان طی يك عطیات کمین - گذاری در جاده "کرد غرب به شهرک "بیوه نیز" يك دستگاه توپوتا و يك دستگاه تراکتور دشمن را بدام انداخته و ۴ نفر از سرنشینان آنها را به اسارت گرفتند. اسعد نجفی فرمانده "گردان ضربت رژیم در منطقه در جریان این کمین به قتل رسید.

اسرا

۱. علیرضا امینی
  ۲. سید محسن حقیقی زاده
  ۳. محمد نظری
  ۴. موسی محمدی
- غنائیم پیشمرگان يك قبضه کلاشنیکوف ۲ اسلحه کمری و ۶ خشاب بوده است. همچنین پیشمرگان توپوتا و تراکتور را به آتش کشیدند.

مهاباد  
**نیروی شهید پیشوا**

۱۳۶۸ / ۷ / ۸

پیشمرگان جاده "مهاباد - میاندوآب" را در ۱۰۰ متری دروازه مهاباد به کنترل خود درآوردند. در جریان کنترل پیشمرگان بر جاده بیش از ۱۸۰ ماشین مسافری متوقف گردید و برای مسافران سخنرانی بعمل آمد که با استقبال گرم آنها روبرو گردیدند. همچنین در جریان بازرسی ماشینها ۱۷ نفر از افراد رژیم به اسارت درآمدند که همگی آزاد شدند.

اسرا

۱. محمد بابانزاده
  ۲. هوشنگ قلی زاده
  ۳. عادل مصطفی زاده
  ۴. سلطان جاغفرق
  ۵. اسماعیل رازی شهریار
  ۶. ناصر جهانجروی
  ۷. حسین بدیعیان
  ۸. محمد کیوانی
  ۹. مرتضی قصاب
  ۱۰. بشیر عطایی
  ۱۱. منوچهر درگسی
  ۱۲. علی شاهی قره‌باغ
  ۱۳. شیرزاد بصیرت
  ۱۴. اسدالله نظری
  ۱۵. علیرضا افساری
  ۱۶. کمال عزیززی
  ۱۷. مختار عزیززی
- ۳ دستگاه خودرو دشمن از سوی پیشمرگان به آتش کشیده شدند.
- همزمان دسته‌ای دیگر از پیشمرگان پایگاه دشمن در "باغ قول قولاغ" در



تسه : تامین اجتماعی و ...

حدود ۲۳ میلیون جمعیت  
وستایی ، بهیچوجه از هیچ  
وع خدمات بیمه ای ( همه  
بازنشستگی ، چه از کار-  
فتادگی ، چه خدمات درمانی  
... ) استفاده نمیکنند.  
علاوه بر آن همین سیستم  
تامین اجتماعی که بخشش  
محدود و معینی از جمعیت  
کشور را تحت نظارت خود  
دارد با نارسائیهها و کمبود  
امکانات روبرو است .

در ادامه این بحث آمده  
است که در حدود ۲ میلیون  
و ۳۴۰ هزار بیمه شده تامین  
اجتماعی و خانواده های آنان  
که قریب ۱۰ میلیون نفر  
از افراد این کشور را تشکیل  
میدهند تنها ۷ هزار تخت  
برای درمان در اختیار دارند  
به بیان دیگر قریب به ۱۴۲۰  
نفر بیمه شده درمان از یک  
تخت بیمارستانی بهره  
میگیرند... روشن میشود  
که سیستم تامین اجتماعی  
در ایران حتی قادر به سرویس  
دادن به اعضای تحت پوشش  
خود نیست چه برسد به اینکه  
امکانات خود را فرضاً به کل  
جمعیت ۵۲ میلیونی کشور  
تعمیم داده و ...

خلاصه این است و ضم  
بهداشتی و درمانی در کشوری  
که رژیم آن بر مبنای قانون  
اساسی خود میباید شرایطی  
فراهر آورد که نه تنها

بقیه :

گنجینه از عطایات پیشمرگان حزب

همان حوالی را زیر آشنیاری  
سلاحهای خود قرار دادیم خساراتی  
بسه آن وارد ساختند .

سردشت  
نیروی مبارک

۱۳۶۸/۷/۱۵

پیشمرگان به داخل شهر سردشت  
نفوذ کرده و خیابان کمر بندی ،  
چهارراه فرمانداری و اطرای مرکز  
اطلاعات سپاه پاسداران و ساختمان  
شهرداری ، محله شیخ مولانا و  
شرکت نفت را زیر کنترل خود درآوردند.  
آنگاه همزمان مقر اطلاعات سپاه

امکانات بهداشتی و درمانی  
برخوردار سازد، بلکه آنان  
را در روزهای بیکاری ،  
از کار افتادگی ، بی سرپرستی  
و حوادث زندگی کجک کرده و  
زندگی آنها را تامین نماید.  
در این باره این همه ای  
از اعتراضات رژیم

پاسداران ، شهرداری و شهربانی را  
مورد حمله قرار دادند . دسته ای دیگر  
از پیشمرگان که در یکی از ارتفاعات  
شهری به شهر مستقر گشته بودند،  
پادگان شهر را با انواع اسلحه زیر آتش  
گرفتند . در طی این عطایات ضمن  
وارد آوردن خسارات فراوان مالی و  
منهدم شدن بخشی از تأسیسات مراکز  
سرکوب رژیم ، ۸ تن از مزدوران کشته  
و ۵ نفر نیز مجروح شدند . قابل  
ذکر است که اهالی شهر با حصول

اطلاع از نفوذ پیشمرگان به شهر از  
خانه های خود خارج گشته و به شیوه  
کم سابقه ای به خیابانها ریختند و  
شماره های انقلابی سردادند . پس از این  
عطایات پیشمرگان در میان بدرقه گرم  
مردم ، از شهر خارج گشتند ●

بود و از جهات دیگر مردم  
ایران خود بهتر میدانند که  
چگونه زندگی میگذرانند  
و مسؤولین رژیم در قبایل  
اینهمه محرومیت و سیه روزی  
آنان تا کجا احساس مسؤولیت  
میکنند ●

وادی مهدی گرهستان ایران  
همه روزه: به دو زبان کردی و فارسی  
سوج کوتاه دیدم های :  
۴۹،۷۵ و ۴۱ متر  
برنامه اصلی از ساعت ۱۲:۳۰ الی ۲ بعد از ظهر  
عین همین برنامه از ساعت ۸ الی ۹:۳۰ شب  
برنامه کردی روز بعد از ساعت ۶:۳۰ الی ۷:۳۰

اولین کمیته مردمی حزب کمونیست کردستان ایران

### اولین کنفرانس بین المللی در مورد مسأله کرد

در روزهای ۱۴ و ۱۵ اکتبر ۱۹۸۹ ( ۲۲ و ۲۳ مهر ۱۳۶۸ ) يك كنفرانس بين المللی بنام " کردها، حقوق بشرو هویت فرهنگی آنان " در پاریس پایتخت کشور فرانسه منعقد گردید . در این کنفرانس ۲۰۰ نماینده از ۲۶ کشور جهان شرکت داشتند که در میان آنان شخصیت‌های معروف بین المللی مشاهده می‌شوند .

این کنفرانس که با کوشش سازمان " فرانس لیبرته " ریاست خانم " دانیل میتران " هنسر رئیس جمهور فرانسه و استیتو کرد در پاریس برپا گردید ،

در پایان جلسات خود تصمیم گرفت کمیته‌ای برای دفاع از کرد بوجود آورد ، کوشش بعمل آید تا مجمع عمومی سازمان ملل متحد جلسه ویژه‌ای برای بررسی نقض حقوق بشر در مورد حل کرد تشکیل دهد و نیز سعی شود تا يك هیات نمایندگی کرد بعنوان ناظر در سازمان ملل متحد پذیرفته گردد .

این کنفرانس که به خاطر شهید دکتر قاسملو تقدیم گردید در قطعنامه‌ای که با اکثریت آرا به تصویب رسید از دولت اتریش می‌خواهد که با جدیت مسأله ترور دکتر قاسملو و همراهانش را پیگیری نموده و نتایج تحقیقات خود را اعلام دارد .

شایان ذکر است که هیات ۴ نفره از حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی رفیق " حسن شرفی " عضو دفتر سیاسی در این کنفرانس شرکت داشت که به تفصیل درباره وضع کردها در ایران و جنایات جمهوری اسلامی با شرکت کنندگان در کنفرانس به بحث و گفتگو پرداخت .

ما در شماره آینده " کردستان " گزارش کاملی درباره این کنفرانس را به خوانندگان عزیز تقدیم می‌کنیم .

### ادامه جنایات رژیم دو کردستان

رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی ایران بی اعتنا به ناراضیتی و بی‌زاری افکار عمومی بین المللی که در رابطه با موج اعدام زندانیان سیاسی علیه خود برانگیخته است ، این اعدامها را همچنان ادامه می‌دهد . در شماره‌های قبلی " کردستان " اسامی شماری از کسانی را که در رابطه با جنبش کردستان و حزب دمکرات کردستان ایران در زندانهای رژیم در برابر جوخه اعدام مزدوران ارتجاع قرار گرفته به شهادت رسید فاش نمودیم .

اینک خیر از اعدام عده دیگری از این زندانیان سیاسی است که برای اطلاع افکار عمومی به انتشار نام آنها مبادرت می‌ورزیم .

تاریخ و محل اعدام	تاریخ و محل دستگیری	اهل	نام خانوادگی و نام
مرداد ۱۳۶۸ ارومیه	۱۳۶۵ / ۵ / ۲۵	سوکان	۱ . منصور حق‌پور
۶۸ / ۴ / ۱۳ ارومیه	زمستان ۱۳۶۴	مهاباد	۲ . رسول محمدی ( نبض )
۶۸ / ۴ / ۱۵ کرمانشاه	—	کرمانشاه	۳ . پیرباوا راوندی
۶۸ / ۶ / ۲۱ ارومیه	سال ۱۳۶۵	مهاباد	۴ . ناصر ( شوکره )
// //	خرداد ۱۳۶۵	"گویکتپه" مهاباد	۵ . رشید رستمی